

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

تیمورشاه تیموری - المان

۰۵ جون ۲۰۱۳

سخنی چند درباره قانون منع خشونت علیه زنان

باری چنین واقع شده که در سال ۱۳۸۹ فرمان تقنینی از طرف حامدکرزی «رئیس جمهور منتخب» افغانستان به نام منع خشونت علیه زنان صادر شد. این فرمان که باید در اولین جلسه شورا به تصویب می رسید تاکنون به تصویب نرسید و به طور دست و پا شکسته بعضی مواد آن تحت اجراء قرار گرفت. در این ایام که تمام اهالی مملکت من جمله زنان بیشتر از آینده نگران اند، محترمه فوزیه کوفی نماینده پارلمان بدین فکر افتاد که مبادا همین دست آورد ناچیز از بین برود و آنرا در آجندای شورا داخل و از اهل مجلس تصویب آن را تقاضا نمود. بعضی از مواد مهمتر این قانون عبارت از: منع ازدواج اجباری، منع تعدد زوجات، منع ازدواج صغیره، به شوهر دادن اجباری دختران به نام «بد» و تأسیس پناگاههای امن و شاید بعضی مواد دیگر هم در بعضی موارد در آن درج باشد. اما نمایندگان «محترم شورا» موادی را که در فوق مختصراً تذکرافت خلاف شریعت اسلام دانسته بازن ستیزی ذاتی که دارند از تصویب این قانون اباء ورزیدند و یک باردیگر امید زنان چیز فهم را به یأس مبدل نمودند.

تعجب در این است که از یک طرف گفته می شود که شریعت اسلامی با آنهمه بسط و وسعتی که دارد فهمیدن و به کاربردن آن علم و معلومات مزید به کار دارد! و از طرف دیگر هر کسی که مختصراً چند آیت و یا حدیث را به کاربرد عالم دین شناخته میشود و خود را متبحر و مجتهد به شمار می آورد چنانچه نمایندگان پارلمان آنانی که این قانون را خلاف شرع می دانند همه علمای دین اند. من در اینجا صرف درباره یک ماده این قانون که تأسیس و به کار گرفتن خانه های امن است و از طرف پارلمان در جمله دیگر مواد خلاف شرع دانسته شده صحبت می کنم و یک چشم دید خود را بیان می کنم.

«حضرات گرامی پارلمان» لطف فرموده بفرمایند که به تأسی از کدام آیت و یا حدیث خانه امن برای حفاظت حیثیت و سلامت زنان خلاف شرع است. از مدت ها قبل در جامعه اسلامی ما مروج بوده که هرگاه برای زنی و یا دختری در بین فامیلش مشکلی که مربوط قضایای حقوقی و یا جزائی می بود پیش می آمد، آن خانم و یا دختر به حکم محکمه و یا صواب دید اهل صلح به منزل وکیل گذر و یا شخص امینی سپرده می شدند و آنها الی فیصله شدن قضیه شان در آنجا به امن و آسایش به سر می بردند آیا این خانه امن نبود؟ زن ستیزان پارلمان می گویند در خانه امن فساد رخنه می کند. بلی! هرگاه جلوش گرفته نشود فساد در هر جایید می آید. مگر در محابس که مستقیماً زیر نظر دولت قرار دارد و دولت در قبال آن مسؤولیت عام و تام دارد، فساد رخنه نکرده است؟ پس برای جلوگیری از فساد باید هیچ کس محبوس نشود.. این گناه

خانه امن نیست این گناه تو است که امنیت آن را تأمین نمیتوانی مگر در یک ولایت ویا ولسوالی یک یا دو نفر ریش سفید متدین پیدانی شود که امنیت را در خانه امن برقرار نماید؟ پیدایی شود امامقصود زن ستیزان این است که این بردگان محبوس و این گنجشکان قید قفس به هیچ صورت راه خروج نداشته باشند تا صید عقابان تیزچنگال یعنی مردان ظالم از خدا بیخبر گردند.

طوری که در بالا متذکر گردیدم من یک چشم دید خود را در اینجا بیان می کنم:

سالهای بین ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ است و در ولایت مزار شریف والی به نام «پرمای» با حدت و شدت زور آوری ورشوت ولایت می کند و مردم شریف شهر مزار شریف مطیع سربه راه و آسوده به زندگی عادی خویش ادامه می دهند. روزی دختری جوانی با زاری و اشکباری، ناله و استغاثه راه خود را از بین پاسداران و پهره داران بازمی کند و وارد اطاق والی ویا نائب الحکومه می شود و با خوف دهشت از نایب الحکومه، طالب کمک می شود و عرض می نماید که پدرم مرا به یکی از اقاربش به زنی می دهد و من آن مرد را قبول ندارم و می خواهم با کسی دیگری که طرف قبول خودم است ازدواج کنم. بناء پدرم به قتل من کمر بسته و مرا میکشد و با این گفته دست به دامن والی می زند و از او کمک می خواهد. پرمای والی که مست غرور قدرت و ثروت است در جواب می گوید: تا من والی این ولایت استم هیچ کسی قدرت ندارد دیگری را بکشد. دختر باز زاری و تضرع می کند و باز همان جواب را می شنود. دختر بیچاره که هیچ چاره دیگری ندارد، به خانه خود که مرگ را در آنجا واضحاً می بیند، برمی گردد. در خود همان شب پدر ظالم و نامردش به کمک یکی دیگر از اعضای فامیلش آن دختر مظلوم را می کشند و فردا جنازه اش را دفن می نمایند. از این قضیه به زودی تمام شهر مزار خبر شد، مردم عزادار شدند و برای مدتی شهر به سکوت و وحشت فرو رفت. نائب الحکومه پرمای نیز خبر شد اما آب از آب تکان نخورد و مثل این که هیچ واقعه ای رخ نداده باشد همه چیز به فراموشی سپرده شد.

اکنون آقایان زن ستیز ویا بهتر بگویم دشمنان خواهران و مادران خود، بگوئید که هرگاه در شهر مزار شریف که یکی از ولایات بزرگ مملکت است یک خانه امن وجود می داشت و آن دختر مظلوم به آن پناه می برد آیا پدرش می توانست به آن قساوت و وحشت او را به جرم این که بامر دلخواه پدرش ازدواج نمی کند، بکشد؟

محترمه شیمافغوری به تاریخ ۲۹ ماه می تحت عنوان «پیام عاجل و ضروری برای اقدام جمعی» مقاله مبسوطی در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین نشر نموده و متذکر شده است که قانون منع خشونت علیه زنان در ولسی جرگه رد گردیده است بناء تمام وطنداران در هر کشور جهان که استند روز شنبه تاریخ ۸ جون مظاهراتی را برای پشتیبانی از قانون منع خشونت علیه زنان سازماندهی نمایند.

من نیز به تأیید اعلامیه ایشان موضوع را در پورتال آزادگان «افغانستان آزاد آزاد افغانستان» نشر و به وطنداران عزیز عرض می نمایم که هریک از حقوق قانونی و بشری تان را هرگاه از زور آوران بستانید باز هم موفق هستید. هرگاه خودما اقدام ننمائیم کسی دیگری نیست که حتی یک حق ما را به ما اعاده نماید. به خصوص پارلمانی از نوع آنچه در دولت دست نشانده کابل وجود دارد.

با احترام